

## Inquiry of the Influence of Taqīyyah on Some Hadiths of Imams (AS) in Sunni Sources: Case Study of Sufyān al-Thūrī

*Samaneh Fathi*<sup>1</sup>

*Gholam-Reza Raeisian*<sup>2</sup>

DOI: 10.22051/TQH.2021.33859.3030

Received: 29/10/2020

Accepted: 01/03/2021

### Abstract

Some hadiths attributed to Imams (AS) are only found in Sunni sources, on the use of which doubts cast, including their distinguishing by Shiite narrators or the lack of trust in them. If the reasons of not narrating such hadiths in Shiite sources, which is sometimes due to Taqīyya, are stated, doubts will be resolved and such hadiths can be regarded as part of the Shiite heritage. In addition to influencing the content of some hadiths, Taqīyyah has also resulted in the anonymity of some Shiite narrators and non-reference to them by Shiite narrators. This can be seen in the hadiths narrated by Sufyān al-Thūrī as one of the most important Sunni narrators. Thus, Taqīyyah can be considered one of the most prominent historical aspects affecting some hadiths only found in Sunni sources. Adopting an analytical approach to the sanads and texts of the hadiths narrated by Sufyān, which are found in Shiite sources as well as the Rijālī descriptions and the historical reports of the two sects (i.e., Sunnis and Shiites), the present study regards Sufyān as an Imamī narrator, who was unknown through Taqīyya. It seems that the hadiths criticizing Sufyān found in Shiite sources aim to protect him, which is confirmed by what has been said about his book “Jāmi” and its narrators. It is worth noting that Sufyān is not considered a member of the group known as the “People of Hadith,” for his political stance on the “Qiyām bi Saif” did not correspond to that of the latter.

**Keywords:** *Imams’ (AS) Hadiths, Strict of Narrations, Sunni Sources, Taqīyya, Sufyān al-Thūrī.*

---

<sup>1</sup>. PhD Candidate of Qur’an and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. [samaneh.fathi@mail.um.ac.ir](mailto:samaneh.fathi@mail.um.ac.ir)

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Qur’an and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. (The Corresponding Author) [raeisian@um.ac.ir](mailto:raeisian@um.ac.ir)



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا (علوم اسلامی)

سال هجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، پیاپی ۵۱

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۰۵-۱۴۱

## بررسی نقش تقیه بر انحصار برخی از روایات ائمه اطهار (ع)

در منابع اهل سنت

(مطالعه موردی سفیان ثوری)

سمانه فتحی<sup>۱</sup>

غلامرضا رئیس‌ان<sup>۲</sup>

DOI:10.22051/TQH.2021.33859.3030

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

### چکیده

برخی از روایات ائمه اطهار (ع) تنها در منابع اهل سنت قرار دارد و تردیدهایی در بهره‌برداری از این روایات به ذهن می‌رسد؛ تردیدهایی همچون پالایش این احادیث از سوی محدثان شیعی یا عدم اعتماد به آن‌ها؛ از این رو، اگر دلائل عدم نقل این احادیث - که گاه ناشی از تقیه است - در منابع شیعی ارائه گردد، این تردیدها از بین خواهد رفت و می‌توان بدان به‌عنوان میراث شیعی توجه کرد. تقیه افزون بر اینکه بر محتوای روایات تأثیر می‌گذارد، به گم‌نام ساختن برخی از شخصیت‌های روایی شیعه نیز منتهی می‌شود و

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. samaneh.fathi@mail.um.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) raeisian@um.ac.ir

مراجعه راویان شیعی را به آنان محدود می‌سازد. - چنان‌که این مورد در مراجعه به روایات سفیان ثوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پرکارترین محدثان اهل سنت دیده می‌شود. - از این رو، تقیه را می‌توان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین زمینه‌های تاریخی در این انحصار یاد نمود. این جستار با رویکرد تحلیلی در اسناد و متون روایات سفیان در منابع شیعی، توصیف‌های رجالی و گزارش‌های تاریخی فریقین، سفیان را راوی امامی می‌شناسد که با تقیه پنهان مانده است. چنان برمی‌آید که روایات مذمت سفیان در منابع شیعی برای محافظت از وی بیان شده و آنچه بر کتاب «جامع» وی و راویان آن گذشته مؤید این مورد است. شایان ذکر است که سفیان با اصحاب حدیث در یک گروه قرار نمی‌گیرد؛ چرا که موضع سیاسی وی با عقاید اصحاب حدیث در اعتقاد قیام به سیف در یک راستا قرار ندارد.

### واژه‌های کلیدی:

روایات ائمه اطهار (ع)، انحصار روایات، منابع اهل سنت، تقیه، سفیان ثوری.

### مقدمه و طرح مسئله

راویان شیعی نقش مهم و قابل توجهی در منابع حدیثی اهل سنت دارند. چنان‌که ذهبی رجال‌شناس مشهور اهل سنت بر آن است که اگر راویان شیعی نبودند، سنت نبوی به ما نمی‌رسید (الذهبی، ۱۹۶۳م، ج ۱، ص ۵). در میان این راویان، امامان شیعه (ع) به‌عنوان صحابه، تابعان و اتباع از مهم‌ترین راویان شیعه به شمار می‌آیند که حجم گسترده‌ای

از منقولان نشان، در منابع اهل سنت مشاهده می‌شود. این روایات نسبت به روایات مذکور در کتاب‌های شیعه حالت‌های گوناگونی دارند؛ بخشی از این روایات بین فریقین مشترک بوده و قسمتی دیگر از این روایات در انحصار منابع اهل سنت باقی مانده است. این انحصار شامل اصل و یا بخشی از روایت می‌شود.

در نگاه نخست، به نظر می‌رسید که پالایش حدیث و بی‌اعتمادی محدثان شیعی به این روایات باعث عدم ذکر آن‌ها در منابع شیعی بوده است اما با واکاوی بیشتر مشخص شد که این دو عامل از دیدگاه‌های متفاوتی پذیرفته نمی‌شود. پالایش حدیث به دلیل مقایسه اجمالی این روایات با جوامع حدیثی شیعه، عدم مخالفت با مضامین کلی آن‌ها و همچنین عرضه بر قرآن، سنت، تاریخ و ... بی‌اعتمادی محدثان شیعی نیز به دلیل ناهماهنگی با واقعیت‌های موجود در میراث حدیثی شیعه در تعامل با روایان اهل سنت؛ چنان‌که جواز بهره‌گیری از روایات آنان از سوی ائمه (ع) صادر شده است.

شیخ طوسی با اشاره به روایتی نه تنها جواز، بلکه به وجوب عمل به روایات عامی معتقد است. بدین صورت که اگر روایتی موافق یا مخالف روایت راوی عامی وجود نداشت و راوی مورد اعتماد بود و جرحی در مورد او نرسیده باشد، عمل به آن حدیث واجب است. چنان‌که امام صادق (ع) فرموده است: «إذا نزلت بکم حادثة لا تجدون حکمها فیما رووا عنا فانظروا إلى ما رووا عن علي (ع) فاعملوا به» (الطوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۹). همچنین اعتماد متقدمان به روایان عامی صاحب کتاب که از ائمه هدی (ع) نقل روایت می‌کنند، از بین برنده‌ی تردید در بهره‌برداری از این روایات محسوب گردد. کتاب‌های فهرستی شیعه بیانگر این تعامل حدیثی متقدمان شیعی با مؤلفان اهل سنت است. شاهد بر این امر، روایانی چون طلحة بن زید (الطوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵۶؛ النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۰۷) و حفص بن غیاث است (الطوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۸). (برای مطالعه‌ی دیگر نمونه‌ها و اطلاع از دفاتر غیر شیعی از امامان ر.ک: رحمتی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۲).

اگرچه استدلال‌ها و شواهد ذکر شده حاکی از اعتماد اجمالی محدثان به روایاتی از ائمه هدی (ع) که راوی آن از اهل سنت است اما ابهاماتی در بهره‌برداری از روایات انحصاری ائمه اطهار (ع) در منابع اهل سنت باقی می‌ماند. چگونه می‌توان با توجه به اهتمام همیشگی شیعیان به ثبت و انتقال منقولات ائمه (ع) انحصار صورت گرفته را توجیه کرد؟ اعتماد به صحت و اصالت این روایات‌ها چه میزان خواهد بود؟ پاسخ دقیق به این پرسش‌ها منوط به دلیل عدم نقل این روایات در منابع شیعی است. مهم‌ترین پیامد مثبت این بحث، بهره‌بردن از منابع اهل سنت در گسترش میراث حدیثی شیعه از ائمه اطهار (ع) است (برای آشنای با میراث شیعی در منابع عامه ر.ک: مددی موسوی، ۱۳۹۳، ش، ج ۱، صص ۲۵۶-۲۵۷).

در راستای شناسایی این روایات در منابع اهل سنت، می‌توان به پژوهشی ارزشمند با عنوان «المستدرک الثانی لوسائل الشیعه أو أحادیث الأئمة الطاهرين بأسانید العامة و المخالفین» از سوی محمود قانصو اشاره کرد. این اثر، زمینه‌ی شناسایی این روایات را در منابع اهل سنت فراهم کرد ولی در صدد بررسی دلایل عدم نقل این روایات در منابع شیعی نیست. پژوهش‌های دیگری نیز در مورد روایات ائمه اطهار (ع) در منابع اهل سنت، انجام گردیده است. برخی از آن‌ها معتقدند که منابع اهل سنت در مقام نقل روایات اهل بیت (ع) آنگونه که باید توجه نشان ندانند. در این زمینه می‌توان به مقاله «روایات اهل بیت (ع) در منابع اهل سنت» از نوروز امینی (۱۳۸۷) اشاره کرد. این مقاله بر اساس مهم‌ترین منابع اهل سنت انجام شده است. با توجه به اینکه نوشتار مذکور نگاهی جامع به منابع اهل سنت نداشته است، نمی‌توان آن را معیاری برای داوری صحیح در این موضوع دانست؛ زیرا اهمیت و جایگاه برخی از منابع اهل سنت از ابتدای نگارش مطرح نبوده و در طول تاریخ کسب شده است (برای تفصیل بحث در رابطه با اهمیت منابع اهل سنت و نظریه کتب سته و تداول آن‌ها نک: پاکتچی، ۱۳۹۱، ش، ج ۲، صص ۲۱-۴۶).

مباحث تاریخی حدیث شیعه نشان می‌دهد، تنگناهای سیاسی و در نتیجه‌ی آن تقیه که حفظ جان شیعیان را مدنظر داشت، می‌توانسته این انحصار را ایجاد کرده باشد. این نوشتار بر آن است که به بررسی تأثیر تقیه بر انتقال میراث روایی شیعه و انحصار برخی از روایات ائمه اطهار (ع) پردازد. بدین سان، یکی از راویان ناقل این احادیث گزینش شده، هویت وی واکاوی می‌شود تا میزان دخالت تقیه مشخص گردد. این پژوهش نمی‌خواهد سفیان را شیعه جلوه دهد که روایت وی را مستند سازد. بلکه می‌خواهد تقیه وی را عاملی معرفی کند که باعث عدم انتقال روایات امامان (ع) در منابع شیعه است و می‌خواهد دریابد عدم نقل روایات، متأثر از عدم پذیرش محدثان متقدم شیعه بوده یا از عوامل دیگر؟

### ۱. تقیه و میراث روایی ائمه اطهار (ع)

تقیه در زمان صادقین (ع) نمود بیشتری پیدا کرد و به مثابه‌ی راه‌حلی برای استمرار حیات جامعه شیعی ارائه گردید. در این راستا، زاره بن اعین توضیحی را از امام باقر (ع) در اختلاف احکام و روایات بیان می‌کند و آن را برای حفظ و بقای جامعه‌ی شیعی ضروری می‌داند (الکلبینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۶۵). جالب توجه است که زراره، در ضمن پرسشی مشابه از امام صادق (ع)، پاسخی همانند امام باقر (ع) را دریافت کرد (همان). به نظر می‌رسد، تقیه از مباحث تردیدآمیز میان شیعیان بوده است. آنگونه که یاران ویژه امامان (ع) را به واکاوی هرچه بیشتر این موضوع وامی‌داشت. شاید بتوان وجه ترغیب بیان‌شده در روایات به تقیه را از این جهت دانست؛ به گونه‌ای که عمل و اخذ به آن، امری پسندیده و مستلزم پاداش و ترک آن سبب گناه معرفی شده است (برای مطالعه حدیث نک: الکلبینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۴).

ابزار دفاعی تقیه پیامدهایی چند در انتقال میراث حدیثی شیعه دارد؛ یا ناظر به محتوای روایت است که روایات متعارض ایجاد می‌کند، یا ناظر به پنهان‌سازی اصل روایات - کتاب‌ها و احادیث - است که در این زمینه روایت منقول از محمد بن حسن ابی خالد از

امام جواد (ع) آن را نشان می‌دهد (الکلبینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۳۱) و یا نام راوی شیعه را پنهان نگاه می‌دارد که باعث عدم توجه به وی و حدیثش می‌شود و در نتیجه انحصار پدید می‌آید. ما می‌توانیم راویان پنهان شده را بشناسیم و با بهره از روایات انحصاری آنان به احیاء میراث شیعی اقدام کنیم.

لازم به ذکر است که تقیه‌ای که بر محتوا تأثیر می‌گذارد و سبب احادیث متعارض می‌شود، آسیب زیادی را در بهره‌برداری و تعامل با این میراث شیعی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا در سیستم فکری شیعیان، قواعدی برای پیشگیری از آسیب‌های ناشی از صدور روایات تقیه تعیین شده است؛ بدین شکل که در صورت اختلاف و تعارض روایات شیعه با یکدیگر، روایتی مورد پذیرش قرار خواهد گرفت که با روایات عامه مخالف باشد (الکلبینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۶۷). واضح است که طبق این قاعده، روایات اختلافی مدنظر بوده است و احادیث غیر اختلافی با شیعه از دایره‌ی امر تقیه‌ای بیرون است و می‌توان بدان استناد کرد. در این راستا، سفیان ثوری به‌عنوان شخصیتی شاخص در حدیث اهل سنت و حامل روایات انحصاری ائمه (ع) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۲. سفیان ثوری و انتقال میراث روایی ائمه اطهار (ع)

سفیان بن سعید بن مسروق ثوری (۹۷ - ۱۶۱ هـ) راوی مطرح اهل سنت و مورد وثوق آنان است. وی را «امیرالمؤمنین فی الحدیث» خوانده‌اند (الزرکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۱۰۴). از بزرگان زمان خویش (همان، الذهبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۲۳۰؛ ابن منجویه، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۲۸۳) و یکی از صاحبان مذاهب شش‌گانه معرفی شده است (النووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۳). فقیه مجتهد و دارای مذهب مستقلی بوده تا آنجا که فضیل بن عیاض، خود را پیرو مذهب وی نامید (ر.ک: الدقر، ۱۴۱۵ هـ ص ۸) (ر.ک: الزرکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۱۰۴؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۶ هـ، ص ۲۴۴؛ الذهبی، ۱۴۰۵ هـ ج ۷، ص ۲۳۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰

هـ، ج ۶، ص ۳۵۰؛ البخاری، بی تا، ج ۴، ص ۹۲؛ ابن منجویه، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۲۸۳؛ النووی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۳).

برخی سفیان را از اصحاب حدیث برشمردند (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش، ج ۹، ص ۳۵۹۶؛ ابن ندیم، بی تا، ص ۶۱). ابن ندیم هم وی را اصحاب حدیث می‌داند و هم در زمره یزیدیان به شمار می‌آورد (ابن ندیم، بی تا، ص ۶۱). وی صوفی قرن دوم نیز محسوب شده است (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۵۸۵).

اما در رجال شیعه با آنکه نام سفیان در ذیل اصحاب امام صادق (ع) ذکر شده (الطوسی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۲۰). با این حال، روایتی نقل شده که وی را منحرف در دین معرفی می‌کند (الکلبینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۰۹). کشی نیز با نقل گزارشی از میمون بن عبدالله نقل می‌کند که در اجتماع گروهی از بصریون با امام صادق (ع)، آن حضرت جوایب احادیث مطرح در بصره شد. نقل روایاتی از امام علی (ع) و امام صادق (ع) با روایتگری سفیان ثوری با محتوایی دروغین، باعث شد آن حضرت ناقلین این روایات را به عذاب قیامت هشدار داد (الکشی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، صص ۶۹۴ — ۶۹۵). علاوه بر گزارش‌های ذکر شده، روایاتی از وی در منابع اهل سنت وجود دارد که مخالف عقاید شیعه است، مانند کفر ابوطالب که در منابع اهل سنت نقل شده است (البخاری، ۱۴۲۲ هـ ج ۵، ص ۵۲).

حضور سفیان در سلسله اسناد روایات منقول از امامان - با واسطه و بی واسطه - در منابع اهل سنت قابل توجه است. برخی از این روایات در منابع شیعی ذکر نشده است که جایگاه سفیان را در انتقال میراث روایی شیعی از ائمه اطهار (ع) قابل توجه می‌سازد. نمونه‌ی این روایات چنین است:

**الف)** بسیاری از این روایات متعلق به روایاتی است که سفیان به اسناد خود از امیر مؤمنان علی (ع) نقل می‌کند. در اینجا یکی از روایات انحصاری امام علی (ع) منقول از سفیان در منابع اهل سنت را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. روایتی در «تعیین موارد زکات»



که یکی از مباحث مهم ابواب زکات است و با طریق‌های متفاوتی در منابع اهل سنت بیان شده است. در روایت، از خلیفه دوم درباره مواردی که برای آن‌ها زکاتی تعیین نشده بود، پرسیدند: آیا می‌توان برای آن‌ها زکات پرداخت کرد؟ خلیفه دوم به دلیل جدید بودن مسئله آن را با اصحاب پیامبر (ص) به شور گذاشت. امام علی (ع) نیز نظر خویش را بیان فرمودند. آن حضرت فرمودند چنانچه آن امر را واجب نشمارند، زکات دادن از آن جایز است. متن روایت با کمی تفاوت در نقل‌ها چنین آمده است:

«إِنَّا قَدْ أَصَبْنَا أَمْوَالًا: خَيْلًا وَرَقِيقًا، مُحِبُّ أَنْ تَكُونَ لَنَا فِيهَا زَكَاةٌ وَطَهُورٌ. فَقَالَ: مَا فَعَلَهُ صَاحِبَايَ فَأَفْعَلَهُ. فَاسْتَشَارَ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِيهِمْ عَلِيٌّ فَقَالَ عَلِيٌّ: «هُوَ حَسَنٌ إِنْ لَمْ تَكُنْ جَزِيَّةً يُؤْخَذُونَ بِهَا بَعْدَكَ زَائِيَةً» (الحاكم النيسابوري، ۱۴۱۱ هـ ج ۱، ص ۵۵۷؛ عبد الرزاق الصنعاني، ۱۴۱۹ هـ ج ۱، ص ۴۸۱؛ الطحاوي، ۱۴۱۶ هـ ج ۲، ص ۱۲؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۵۹۶؛ أبو بكر بن أبي شيبة، ۱۴۰۹ هـ ج ۸، ص ۷۱۲).

موارد تعیین زکات در شیعه شامل دو دسته روایت است، روایاتی که وجوب زکات را شامل نه چیز می‌داند (الطوسی، ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۱۱؛ الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۷، ص ۴۳) و روایاتی که به نقل از امیرمؤمنان علی (ع) زکات را شامل اسب نیز می‌داند (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۷، صص ۹۸-۹۹؛ الطوسی، ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۱۱؛ همو، ۱۴۰۷ هـ-الف، ج ۴، ص ۶۷؛ همچنین ر.ک: الطوسی، ۱۴۰۷ هـ ب، ج ۲، ص ۵۵). اگرچه در ظاهر وضع زکات بر اسب مخالف با روایت نه‌گانه مصادیق زکات است اما این روایت قابل جمع بوده و دال بر استحباب است. چنان که شیخ طوسی در استبصار آن را تبیین کرده است (الطوسی، ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۱۱) و فقهای شیعه نیز به استحباب این موضوع قائل هستند (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۱ هـ ج ۵، ص ۵۱). بنابراین با مقایسه این دو روایت با روایت منقول از سفیان، احتمال نمی‌رود، محتوای این روایت با مضمون شیعی مخالفت داشته باشد و این روایت نیز می‌تواند مانند مالیات بر اسب در احکام ثانویه و در مسائل متناسب با اقتضای زمان به کار رود.

- «جواز الزکاة فیما لم یجب فیہ الزکاة من الخیل و الرقیق و الشعیر و غیرها» (الحاکم النیسابوری، ۱۴۱۱ هـ ج ۱، ص ۵۵۷؛ عبد الرزاق الصنعانی، ۱۴۱۹ هـ ج ۱، ص ۴۸۱؛ الطحاوی، ۱۴۱۶ هـ ج ۲، ص ۱۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ ج ۱۸، ص ۴۱۰؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۵۹۶؛ أبو بکر بن أبی شیبہ، ۱۴۰۹ هـ ج ۸، ص ۷۱۲).
- «إذا تقرب الناس الى خالقهم بابواب البر فتقرب انت بعقلک الترغیب» (ابن شاهین، ۱۴۲۴ هـ ص ۸۴).
- «علی الامام اصلاح طریق السلمین لکف الاذی عنهم و یقطع ما یخرج من الحد» (عبد الرزاق الصنعانی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۰، ص ۷۲).
- «تهدید الشهود بالتنکیل ورد الشهاده التي لا یتثبت علیها الشهود» (الشافعی، ۱۴۰ هـ ج ۷، ص ۱۹۱).
- «مَنْ قَرَأَ (یس) عَدَلَتْ لَهُ عِشْرِينَ حَجَّةً» (أبو نعیم الأصبهانی، ۱۳۹۴ ش، ج ۶، ص ۳۵۶ و ج ۷، ص ۱۳۶؛ أبو العباس العصمی، ۲۰۰۵ م، ص ۲۰۶).
- ب)** روایاتی از امام صادق (ع) که بدون هیچ واسطه‌ای نقل شده است  
 - «قول عند قراءة بعض آيات» (الواقعه: ۶۸-۶۹) (أبو عمرو الدانی، ۱۴۱۶ هـ ج ۶، ص ۱۲۸۴؛ ابن القیسرانی، ۱۴۱۹ هـ ج ۲، ص ۳۷۷).
- «كان السواك من رسول الله صلى الله عليه وسلم موضع القلم من أذن الكاتب» (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ هـ ج ۱۳، ص ۵۸۵؛ أبو الشیخ الأصبهانی، ۱۴۱۷ هـ ص ۹۵):  
 البیهقی، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۶۱؛ ابن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ هـ ج ۹، ص ۹۴).
- ج)** روایتی از امام حسین (ع) که سفیان در سند آن حضور دارد و در مورد قضای دین نقل شده است (أبو بکر بن أبی شیبہ، ۱۴۰۹ هـ ج ۶، ص ۱۹۱؛ الطبرانی، ۱۴۱۵ هـ ج ۳، ص ۱۲۳).

شاید در نگاه نخست عدم نقل این روایات در منابع شیعی، ناشی از بی‌اعتمادی به سفیان تصور شود، آن‌هم برگرفته از نکوهشی که درباره‌ی وی آمده است؛ اما حضور وی در اسناد روایات شیعی، این بی‌اعتمادی را مشکوک جلوه می‌دهد (برای مطالعه برخی از این روایات نک: الصدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۸۱ و ص ۵۴۲؛ الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۳۷-۳۴۰ ج ۸، صص ۵۶۴-۵۶۵؛ الطوسی، ۱۴۱۴ هـ صص ۴۸۳ و ۵۱۲؛ الطوسی، ۱۴۰۷ هـ الف، ج ۹، ص ۳۲۷). حال چرا باوجود لعن صریح امام صادق (ع)، مؤلفان شیعی برخی از روایات سفیان را نقل می‌کنند. آیا این ناسازواری رجالی و نقل‌روایی ناشی از تقیه است؟ آیا تقیه عامل اعتماد در نقل روایات انحصاری وی به شمار می‌آید؟ چگونه؟

آثاری که سفیان را معرفی می‌کند نشان از عامی بودن وی دارد و به تشیع وی اشاره‌ای نکرده است. آثاری همچون: «الإمام سفیان الثوری أمير المؤمنين في الحديث» از عبدالغنی الدقر (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م)؛ «سفیان الثوری: أمير المؤمنين في الحديث» اثر عبدالحلیم محمود (۱۹۷۰ م)؛ مقاله «*Sufyān al-Thawrī*» در Encyclopedia of Islam و «منهج الإمام سفیان الثوری فی العدالة و الضبط و الإسناد» از محمد مختار المفتی (۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م).

### ۳. تقیه‌ی سفیان و مستندات آن

مستندات مورد بررسی تقیه‌ی سفیان گاه از طریق روایاتی است که در منابع شیعه نقل شده است و گاه از طریق بررسی کتاب وی صورت می‌گیرد. در این قسمت، مستندات مذکور مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

از آنجا که تشیع در بردارنده‌ی معنایی عام و خاص است، لازم به بیان این نکته است که تشیع سفیان به زعم نگارنده، تشیع خاص - امامی - است. شیعیان امامی پیروان ویژه علی(ع) هستند و به امامت و خلافتش بر اساس نص و وصیت چه آشکار و چه پنهان اقرار کردند. آنان معتقد شدند که امامت از فرزندان او خارج نمی‌شود و اگر چنین شد یا به

ظلمی است که در حق امام روا شده یا به تقیه‌ای است که امام مصلحت دانسته است (الشهرستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۶). همچنین با توجه به گستردگی انواع تقیه، آنچه بیشتر در ارتباط با این راوی مورد توجه است، تقیه‌ی سیاسی است. - که البته پذیرش آن به معنای نفی تقیه کلامی و اجتماعی نیست. - تقیه‌ای که در هنگام مواجهه با قدرت‌های حاکم ظهور پیدا می‌کند (برای آشنایی با انواع تقیه ر.ک: صفری، ۱۳۸۱ ش، صص ۲۴۱-۲۴۴).

### ۳-۱. واکاوی روایی

اولین مستندات در واکاوی تقیه سفیان، تکیه بر مباحث روایی است. مباحثی که گاه به‌طور صریح بر تقیه وی اشاره می‌کند و گاه مباحثی که پس از تحلیل بدان می‌رسیم.

۱. درزمینه‌ی طرح مباحث صریح؛ شیخ صدوق روایتی را در معانی الاخبار از سفیان بن سعید از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت وی را به تقیه توصیه می‌کند. متن روایت بدین گونه است:

«يَا سُفْيَانُ عَلَيْكَ بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ إِبْرَاهِيمَ الْحَلِيلِ ع ... وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا وَرَى بَعِيْرَهُ وَ قَالَ أَمْرِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ لَقَدْ أَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالتَّقِيَّةِ ... يَا سُفْيَانُ مَنْ اسْتَعْمَلَ التَّقِيَّةَ فِي دِينِ اللَّهِ فَقَدْ تَسَنَّمَ الذَّرْوَةَ الْعُلْيَا مِنَ الْعِزِّ إِنَّ عِزَّ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ وَ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ نَدِمَ» (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ، ص ۳۸۶).

سلسله اسناد این روایت عبارت‌اند از: احمد بن حسن قطان از حسن بن علی سکری از محمد بن زکریا جوهری از جعفر بن محمد بن عماره از پدرش (محمد بن عماره کندی) از سفیان. هویت محمد بن عماره کندی و جعفر بن محمد بن عماره در منابع فریقین نامشخص است ولی گویا باوجود برخی قرائن، می‌توان باقی راویان سند را امامی دانست. چنان‌که محمد بن زکریا جوهری امامی ثقة است (الاردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۱۱۴).

اگرچه هویت احمد بن حسن قطان نامشخص و مجهول است اما می‌توان به قرینه محتوای نقل شده در مبحث تقیه، وی را شیعی دانست. محتوای حدیث یکی از راهکارهای رجالی است که می‌تواند از اهمال و جهالت راوی بکاهد. چنان‌که میرداماد جهالت ناشی از عدم ذکر از سوی رجالیان متقدم را نیازمند بررسی می‌داند. وی حال راوی را از شواهد متعددی چون طبقات، اسانید، مشایخ، اجازات، احادیث تاریخ و ... استعلام می‌کند (میرداماد، ۱۳۱۱ هـ ص ۶۱).

۲. در طرح مباحثی که با تحلیل آن به تقیه سفیان پی می‌بریم؛ برخی از احادیث نقل شده از سفیان ثوری حاکی از تشیع او است، چراکه نقل این روایات از او بیان عامی بعید به نظر می‌رسد. به‌عنوان نمونه، سفیان روایتی را از امام صادق (ع) در معنای حروف مقطعه بیان می‌کند. در انتهای روایت عباراتی نقل شده است که حاکی از فضای تقیه است (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۲).

**الف) ثوری** در ضمن این روایت، تعبیر «عَلِّفَنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ» را برای درخواست تعلیم معارف از امام صادق (ع) به کار می‌برد (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۲). از آنجا که او بیان عامی، تعلیمات آن حضرت را ناشی از صحیفه علی (ع) می‌دانستند (ر.ک: الصدوق، ۱۹۹۶ م ج ۱، ص ۸۹). درخواست سفیان از تعلیم آنچه خداوند به آن حضرت آموخته است، مخالف دیدگاه او بیان اهل سنت است. همچنین تفاوت تعامل شیعیان و اهل سنت با علم امامان (ع)، در شکل انتقال احادیث تأثیرگذار بوده است. چنان‌که در کتاب‌های اهل سنت، روایات منقول از صادقین (ع) از صحابه پیامبر (ص) بیان می‌شود. این در حالی است که شیعیان تقیدی به ارائه‌ی سند از امام معصوم (ع) ندارند.

به‌عنوان نمونه روایت حج پیامبر (ص) که در منابع اهل سنت ذکر شده است، بدین صورت که صادقین (ع) از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کنند (ر.ک: م: مسلم بن الحجاج، ۱۴۳۱ هـ ج ۲، ص ۸۸۶؛ ابن خزیمه، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۱؛ البیهقی، ۱۴۲۴ هـ ج ۵، ص ۹۳؛ ابن حبان، ۱۴۰۸ هـ ج ۹، ص ۲۵۳). متقابلاً شیعه این روایت را از طریق معاویه

بن عمار از امام صادق (ع) بدون ارائه سند از آن حضرت نقل کرده است (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۸، ص ۱۶۰). با توجه به اینکه روایت محل بحث از سفیان بدون ارائه سند یا استنادی به کتاب علی (ع) ذکر شده است، می‌توان نحوه‌ی درخواست و نقل وی را ناشی از تشیع وی دانست.

**ب)** «فَقَالَ يَا ابْنَ سَعِيدٍ لَوْ لَا أَنَّكَ أَهْلٌ لِلْجَوَابِ مَا أَجَبْتُكَ» (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۲)؛ این تعبیر نشانگر این است که امام صادق (ع)، سفیان را از یاران ویژه خود محسوب می‌کند. چنان‌که او را شایسته دریافت پاسخ این سؤال می‌داند که در صورت عدم صلاحیت، از ارائه پاسخ خودداری می‌کرد.

**ج)** «ثُمَّ قَالَ لِي قُمْ يَا سُفْيَانُ فَلَا أَمْرٌ عَلَيْكَ» (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۲)؛ این دستور حضرت حاکی از نبود امنیت جانی برای سفیان است و ملاقات پنهانی با آن حضرت را نشان می‌دهد. در غیر این صورت، باید به جای «فَلَا أَمْرٌ عَلَيْكَ» تعبیر «فَلَا أَمْرٌ بكَ» یا «فلا ائتمن بك» استفاده می‌شد.

۳. روایتی از سوی کلینی نقل شده که از ملاقات غیرعلنی سفیان با آن حضرت خبر می‌دهد. حکم بن مسکین روایتی را بیان می‌کند که سفیان از شخصی (نام او در روایت گفته نشده است) تقاضای دیدار با امام صادق (ع) را دارد. در این ملاقات، سفیان خواستار بیان حدیثی از خطبه‌ی رسول‌الله (ص) در مسجد خیف شد ولی آن حضرت عذری برای بیان نکردن این حدیث آورد که در نهایت، با درخواست مجدد سفیان آن را پذیرفت. سفیان دوات و قرطاسی برای ثبت و نگارش آن حدیث درخواست کرد (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۳۹) و آن را پس از نوشتن بر امام (ع) عرضه کرد. پس از این دیدار، سفیان نظر همراه خود را پرسید. این نکته نشان می‌دهد سفیان از نظر آن شخص آگاه نیست. پس از آگاهی بر مقصود اصلی روایت — امام علی (ع) و اهل بیت (ع) — نوشته را سوزاند و از همراهش خواست، حدیث را برای کسی نقل نکند (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۴۰).

### ۳-۲. واکاوی چرایی نابودی کتاب سفیان

از مباحثی که می‌تواند ما را به شناخت بیشتری در مورد تقیه سفیان رهنمود کند، مطالعه‌ی در مورد آثار وی است. به طوری که سفیان به نابودی کتاب خویش وصیت کرد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵). برخی برآند رفتار سفیان، نتیجه‌ی ندامت از احادیث ذکر شده است (الذهبی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۲۶۱). برخی آن را برخاسته از زهد وی می‌دانند. (ر.ک: حمود هزاع ردمان، ۲۰۱۳ م، ص ۲۳۲).

ابن جعد نیز آن را با استناد به گفته‌ی عبد الله بن عبد الله بن اسود حارثی ناشی از ترس می‌داند. چرا که پس از امنیت یافتن بر جان خویش، آن کتاب را به عبد الله و یزید بن توبه مرهبی فرستاد (ابن الجعد، ۱۴۱۰ هـ ص ۲۸۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ هـ، ج ۱، ص ۱۱۵). شاهده‌ی دیگر بر این مدعا خروج کتاب سفیان در چاه برای بیان احادیثی در مورد خمس است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ هـ، ج ۱، ص ۱۱۵) و یا سفارش به عمار بن سیف است که آنچه با دوات نوشته شده را بشور و اشخا صی را که در آن ذکر شده‌اند، پاک کن (همان، صص ۱۱۵-۱۱۶). بدین سبب می‌خواهد تا جانشان حفظ شود.

از آنجا که این کتاب موجود نیست، می‌توان به بخشی از این روایات از طریق راویان سفیان دسترسی پیدا کرد (ر.ک: حمود هزاع ردمان، ۲۰۱۳ م، ص ۲۳۲). با توجه به مطالعاتی که در مورد آثار سفیان، انجام گردید، این نتیجه حاصل گشت که کتاب «جامع کبیر» سفیان در مورد مباحث فقهی و موارد اختلافی است (برای اطلاعات در مورد کتاب جامع سفیان به نک: عبداللطیف الطائی، بی‌تا، ص ۲۰). شاید بتوان این احتمال را مطرح کرد که این مباحث اختلافی در رابطه با مسائل مطابق نظر شیعیان باشد که نیازمند پنهان ساختن محتوای آن از جامعه‌ی کوفی و بصره بود. چنان که نشر این روایات از سوی راویانی مشاهده می‌شود که در فضای حدیثی غیر از کوفه و بصره فعالیت می‌کردند که فضای اختناق شدت بیشتری در عراقین حکم فرما بود.

گویا تمرکز و فشار سیاسی حکومت بر روی کوفه است. به طوری که در کوفه چنان امر بر شیعیان سخت شده بود که آن‌ها حتی در مجامع عمومی به هم سلام نمی‌کردند (ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۰۰). مؤید بر این امر روایات تقیه و احکام فقهی آن است که از سوی راویان کوفی مانند زراره نقل شده است (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۶۵). در ادامه گزارشی از راویان کتاب سفیان ارائه می‌شود.

• ابراهیم بن خالد صنعانی از جمله راویان کتاب جامع سفیان است (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵). او در صنعا فعالیت می‌کرد (البخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۴).

• حسین بن حفص اصفهانی از جمله راویان این کتاب است (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵). او راوی کوفی است ولی فعالیت وی در اصفهان گزارش شده است. حسین بن حفص در اصفهان به فتوا و قضاوت مشغول بود (الذهبی، ۱۴۰۵ هـ ج ۱۰، ص ۳۵۶؛ أبو الحجاج القضاعی، ۱۴۰۰ هـ ج ۶، ص ۳۶۹).

• عبد الله بن ولید عدنی از راویان مکی است (البخاری، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۷). ابن ندیم او را از راویان کتاب جامع در حوزه یمن محسوب می‌کند (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵).

• عبدالملک بن ابراهیم جدی نیز اهل حجاز است. (أبو الحجاج القضاعی، ۱۴۰۰ هـ ج ۱۸، ص ۲۸۰؛ البخاری، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۰۶) ابن ندیم در معرفی راویان کتاب جامع سفیان، به نام عبدالملک جدسی اشاره دارد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵). گویا «جدسی» تصحیف شده «جدی» است.

• عبید الله بن عبید الرحمن اشجعی راوی کوفی است که تا پایان حیاتش در بغداد زندگی کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ ج ۷، ص ۲۳۷).

• علی بن زیاد تونسسی از شیوخ سرزمین مغرب است (الذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۴، ص ۹۲۹). او اولین کسی است که کتاب جامع سفیان را به مغرب وارد ساخت (القاضی عیاض، ۱۹۶۶ هـ ج ۳، ص ۸۰).



- مصعب بن ماهان مروزی از سرزمین خراسان است. در توصیف وی بدین امر اشاره شده است که متون و احادیثی از سفیان نقل کرده که معروف نیست (ابن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ هـ ج ۸، صص ۸۵-۸۶). شاید ناشناخته بودن منقولات وی از کتاب سفیان شاهد دیگری بر تقیه سفیان و عدم انتشار گسترده محتویات آن باشد.
  - یزید بن ابی حکیم نیز از روایان «جامع کبیر» است. (الداوودی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۶؛ ابن ندیم، بی تا، ص ۳۱۵). او احادیث خود را از سفیان در مکه دریافت کرده است (عبداللطیف الطائی، بی تا، ص ۴۶).
  - حفص بن عبد الله سجستانی از اصحاب امام صادق (ع) (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۴) و از روایان کوفی است که در سجستان سکونت داشت و قاضی نیشابور بود (سلیمان بن خلف، ۱۴۰۶ هـ ج ۱، ص ۳۱۵).
- از روایان کتاب سفیان، یک راوی کوفی شیعه به نام عبیدالله بن موسی است (الذهبی، ۱۴۰۵ هـ ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۶ هـ ص ۳۷۵؛ مغلطای بن قلیج، ۱۴۲۲ هـ ج ۵، ص ۱۷۱) وی مورد مراجعه مردم در صحیفه سفیان بوده است (ابن معین، ۱۳۹۹ ش، ج ۳، ص ۸۲۸). برخی از رجال اهل سنت وی را به تخلیط و احادیث سوء می شناسند (الذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ج ۳، ص ۱۶). در عین حال به نقل احادیث منکر نیز توصیف شده است (مغلطای بن قلیج، ۱۴۲۲ هـ، ج ۹، ص ۶۸). ابن حجر، احادیث منکر وی را در مورد تشیع می داند (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۲۶ هـ ج ۳، ص ۲۸). شاید بتوان این روایات منکر در تشیع را همراستا با محتویات کتاب جامع سفیان دانست که این منکر در جهت مخالف با عقاید اهل سنت باشد. چنانچه برخی از رجال عبیدالله را در مورد کتاب سفیان، متهم به اضطراب قبیح می کنند (مغلطای بن قلیج، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ج ۵، ص ۱۷۱). به گونه ای که جامع سفیان را کوچک شمرده است.

روایت و اخباری وجود دارد که در مقابل شواهد ذکر شده در اثبات تشیع سفیان قرار می‌گیرد. در این بخش به کمک گزاره‌های تاریخی خوانشی جدید از روایت نکوهش سفیان ارائه می‌شود و برخی از داوری‌ها که وی را در زمره‌ی اصحاب حدیث و زیدیان قرار دادند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. روایتی در مذمت سفیان در کتاب کافی نقل شده که سفیان را از منحرفان در دین معرفی کرده است. این روایت بدین صورت است که امام باقر (ع) به سدیر فرموده است: «يَا سَدِيرُ، أَفَأُرِيكَ الصَّادِقِينَ عَنْ دِينِ اللَّهِ؟». ثُمَّ نَظَرَ إِلَى أَبِي حَنِيفَةَ وَ سُفْيَانَ التَّوْرِيِّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ هُمْ حَلَقٌ فِي الْمَسْجِدِ...» (الكليني، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۰۹).

سدیر بن حکیم صیرفی از راویان شیعی کوفی و از اصحاب صادقین (ع) محسوب می‌گردد (الطوسی، ۱۴۱۵ هـ ص ۱۱۴). روایات او قابل‌اعتنای صاحبان کتب اربعه بوده است؛ به طوری که ۱۱۹ روایت از سدیر در کتب اربعه نقل شده است (آمار بر اساس نرم‌افزار درایه‌النور نسخه ۱،۲). همچنین این روایت به دو طریق از سدیر نقل شده است (الکلینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۲، ص ۳۰۹). از این رو، نمی‌توان به سادگی روایت وی را نادیده گرفت.

در مقابل روایتی در مذمت سدیر از امام صادق (ع) نقل گردیده است: «سدیر عصيدة بكل لون» (الکشی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۴۶۹). خوئی این سخن را بر اساس نقد سند آن را ضعیف می‌شمارد و با وجود روایات مدح در مورد سدیر آن را به شکل مثبت تفسیر می‌کند (ر.ک: الخوئی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۸ ص ۳۹). شاید به جای کنار نهادن این روایت و روی آوردن به تأویل حدیث، بتوان این مذمت را بر اساس گزارش‌های رجالی و تاریخی در مورد سدیر توجیه کرد. بدین گونه که اخباری در مورد دستگیری وی از سوی خلفای عباسی وجود دارد که امام صادق (ع) برای آزادی سدیر دعای ویژه‌ای - در طواف خانه‌ی خدا - داشتند، به طوری که اشک‌هایشان روان بود (ر.ک: الکشی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۴۷۰). گویا این

گوناهگونی در گزاره‌ها با فضای تقیه قابل جمع است که آن حضرت به منظور حفظ جان سدیر به مذمت وی زبان گشوده است.

شاید بعید نباشد که لعن سفیان را با وضعیت موجود سدیر در آن عصر مرتبط دانست و صدور آن روایت را نیز ناشی از تقیه دانست. چنانچه برخی از رجالیان معتقدند که سفیان شاگرد سدیر بوده است (الخواجوی، ۱۴۱۳ هـ، ص ۳۲۹). روایات منقول سفیان از سدیر از امام صادق (ع) نیز می‌تواند ارتباط بین این دو راوی را تأیید بخشد (عبدالرزاق الصنعانی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۷۱؛ ابوبکر بن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹ هـ ج ۵، ص ۱۸۱ و ج ۲، ص ۶۲). در صورت پذیرش این ارتباط، طبیعی می‌نماید که اختناق حاکم بر رویان و شاگردان سدیر تأثیر گذارد و آنان را تحت تعقیب قرار دهد. از آنجاکه خود سفیان نیز از لحاظ سیاسی با حکومت وقت درگیر بود، این احتمال افزون می‌گردد. به طوری که سفیان امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر بود و به سرزنش ملامتگران، اهانت و زندانی شدن از سوی حاکم اهمیت نمی‌داد. وی نمی‌توانست در برابر ظلم سکوت کند و این امر، سبب گردید که مورد تعقیب منصور قرار گرفته و حکم اعدام با صلیب را برای وی صادر کند اما پیش از آن به هلاکت رسید (الدقر، ۱۴۱۵ هـ، ص ۸).

مهدی بن منصور سعی کرد که سفیان را تطمیع کند. سفیان نپذیرفت و مورد تعقیب واقع شد و برای تحویل وی، جایزه تعیین گردید (همان، ص ۹؛ برای آگاهی بیشتر از رابطه سفیان با والیان و خلفا ر.ک: همان، ص ۱۸۰-۱۸۳) همچنین روایتی که امام صادق (ع) در سفارش به تقیه به سفیان فرمودند (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ، ص ۳۸۶)، می‌تواند مؤید این فرض باشد که روایت لعن سفیان از سوی سدیر هم‌راستا با یکدیگر برای محافظت از جان سفیان صادر شده باشد. چنانچه برخی از رجالیان اهل سنت، سفیان را از فردی مقاوم در اعتراض معرفی کرده است که نزد حکومت تقیه می‌کرد (العجلی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱، ص ۴۰۷).

شایان ذکر است، روایتی وجود دارد که مؤید این اختناق است. به طوری که امام صادق (ع) از ملاقات سفیان ممانعت می‌کند و عدم پذیرش وی را ناشی از طرد وی

نمی‌خواند، بلکه متن روایت از وجود ناظران بر آن حضرت خبر می‌دهد. (الطبرسی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۴۸؛ الإربلی، ۱۳۸۱ هـ، ج ۲، ص ۱۵۷). این گزارش علاوه بر اینکه از فضای خفقان در مراجعه به امام صادق (ع) خبر می‌دهد، به موقعیت سفیان ثوری نیز اشاره دارد. چنان‌که آن حضرت ذکری را به وی آموزش داد که از بلایای دنیوی چون حکومت در امان باشد (همان).

۲. برخی از گزارش‌ها حاکی از اختفای سفیان در بصره است و تقیه سفیان را محتمل می‌نماید. او ۱۷ سال از زندگی خویش را تحت تعقیب خلفای عباسی گذراند. به دلیل تعقیب از سوی منصور در سال ۱۴۴ از کوفه خارج و در مدینه و مکه ساکن شد. سپس به صورت مخفیانه در بصره زندگی کرد (الزکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ۱۰۴). او در سال ۱۶۱ در خلافت مهدی عباسی به طور پنهانی از دنیا رفت (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ ج ۶، ص ۳۵۰). این مسئله بر فعالیت حدیثی او تأثیرگذار بود و در مواردی به سکوت او منجر شد. چنان‌که حسن بن صالح و عیسی بن زید در مسئله‌ای اختلاف پیدا کردند ولی سفیان به خاطر ترس از سوی حکومت از بیان پاسخ خودداری کرد (أبو الفرج الأصبهانی، ۱۴۳۱ هـ صص ۳۵۰ - ۳۵۱). برخی از محققان بر این باورند که این اختفاء ناشی از دیدگاه‌های شیعی - امامی - وی بوده که به خاطر آن مورد تعقیب قرار گرفت و به بصره گریخت (ر.ک: الأمین، ۱۴۰۳ هـ ج ۷، ص ۲۶۴).

اگرچه برخی از منابع اهل سنت نیز شیعی بودن سفیان را قبل از ورود به بصره گزارش کرده‌اند (الطبری، ۱۳۵۸ هـ ص ۱۴۲؛ مغلطای بن قلیح، ۱۴۲۲ هـ ج ۵، ص ۳۹۳) اما از دیدگاه آنان گویا این وجه از تشیع با جریان اصحاب حدیث همخوانی دارد. چنان‌چه سفیان را از اصحاب حدیث برشمردند (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۵۹۶). لازم به ذکر است که جریان غالب در محافل اصحاب حدیث در کوفه در برخورد با مسئله امامت «ختن» و تفاضل میان آنان، گرایش علوی بود که در اصطلاح همان روز «تشیع» خوانده می‌شد.

سفیان در رأس گروهی به شمار می‌آمد که تشیع آنان در حد تفضیل امام علی(ع) بر عثمان محدود و امامت خلفا از پیشینیان تا خلفای عباسی با احترام تلقی می‌شد. همچنین آنان در تقابل با گرایش حسن بن صالح، با ترک جمع و قیام به سیف مخالفت می‌ورزید (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش، ج ۹، ص ۳۵۹۶).

برای اینکه تمایز این دو تشیع مشخص شود لازم است که در مورد تحلیل صورت گرفته در وجه تشیع سفیان ثوری (تشیع عام) چند نکته مطرح شود:

**الف)** برخی از گزاره‌های تاریخی نشان می‌دهد که نوع رفتار سفیان در مسئله امامت «ختن» و تفاضل میان خلفا ناشی از رفتار تقیه آمیز سفیان است. به طوری که گزارشی از عطاء بن مسلم از سفیان ثوری وجود دارد که آن را تأیید می‌بخشد. چنان که وی نقل می‌کند که ثوری به او فرمود:

«زمانی که در شام هستی مناقب علی(ع) را بیان کن و زمانی که در

کوفه هستی، مناقب ابوبکر و عمر را نقل کن» (الذهبی، ۱۴۰۵ هـ ج

۷، ص ۲۶۰).

عطاء بن مسلم از اصحاب امام صادق(ع) معرفی شده است (الطوسی، ۱۴۱۵ هـ ص ۲۶۰) در مورد وی گزاره‌ای وجود دارد که کتاب‌های خود را دفن کرده است (ابن حبان ۱۳۹۶ هـ ج ۲، ص ۱۱۳). جالب توجه است که این رفتار را می‌توان در وصیت سفیان به نابودی مصاحف خویش مشاهده کرد (ر.ک: ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۵؛ در رابطه با کتاب سفیان قسمت قبل توضیح داده شد). در مورد شیوهی سفیان در نقل احادیث، اخباری موجود است که می‌تواند هم‌راستا با توصیه سفیان به عطاء در شیوهی نقل روایات باشد. به طوری که روایاتی را که در بصره نقل می‌کرد در کوفه بیان نمی‌کرد یا روایاتی که در ری و اصفهان بیان می‌کرد، در شهرهای دیگر ایراد نمی‌کرد؛ بنابراین محتوای روایات سفیان در سرزمین‌های متفاوت، مشابه نبود (الرامهرمی، ۲۰۱۶ هـ ص ۶۵۶).

شاید بتوان با توجه به گزارش مذکور، موقعیت مناسب‌تری را برای شیعیان در برخی از مناطق شام نسبت به کوفه در نظر گرفت. اخباری که از فرار شیعیان به شام برای در امان بودن از حکومت اموی حکایت دارد، شاهد خوبی بر این نکته خواهد بود. به‌عنوان نمونه سلیمان بن مهران راوی شیعی به شام رفت و به نقل فضائل اهل بیت (ع) اقدام کرد (الیغموری، ۱۴۳۱ هـ ص ۹۳). مؤید دیگر بر این ادعا، گزارشی از فرار امام کاظم (ع) به مناطقی از شام است (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ ج ۴، ص ۳۱۱؛ لیثی، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۸)

**ب)** گزاره‌ای وجود دارد که از اعتقاد سفیان به قیام به سیف خبر می‌دهد. درحالی‌که این خبر، مخالف نظر مطرح شده در تقابل سفیان با گرایش حسن بن صالح در قیام به سیف است. چنان‌که برخی از اصحاب نزدیک وی، در قیام ابراهیم بن عبد الله شرکت داشتند (أبو الفرج الأصبهانی، ۱۴۳۱ هـ ص ۳۲۸). همچنین گزارش شده است که او آرزوی قیام محمد بن عبد الله بن حسن را در سر داشت (همان، ص ۱۸۴).

**ج)** چنان‌که گفتیم، ابن ندیم سفیان ثوری را زیدی می‌داند (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۵۳) شاید دیدگاه مخالف وی با خلفای عباسی وی را چنین نشان دهد اما طبق حدیثی که از امام صادق (ع) روایت شده که در آن، سفیان را به تقیه سفارش نموده است (الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۳۸۶)، زیدی بودن سفیان مورد تردید قرار می‌گیرد. چرا که زیدیان مخالفان اصلی تقیه بودند (کشتکار فرد، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۹) و یکی از اصول آنان مبارزه با خلفای عباسی است. وجود روایات تصریح شده از سوی امام صادق (ع) بر اهلیت و شایستگی سفیان در اخذ معارف ویژه نیز امامی بودن وی را تأیید می‌بخشد (ر.ک: الصدوق، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۲). همچنین ابن ابی الحدید، انتساب سفیان را به زیدیه، نه به معنای زیدی بودن آن بلکه به معنای محبت به اهل بیت (ع) و مخالفت با بعضی از اعمال بنی‌امیه می‌داند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ ج ۶، ص ۳۷۱ و ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۲۷۴)؛ بنابراین وجهی برای زیدی نامیدن وی وجود ندارد.

## نتیجه گیری

در این پژوهش، تقیه عاملی مهم در گمنام ماندن برخی از روایان شیعه و انحصار روایات امامان (ع) در منابع اهل سنت معرفی شده است. بررسی موردی بر سفیان ثوری دارد که ناسازواری آرا رجالی و حدیثی در ارتباط با وی در منابع شیعه پیداست. این پژوهش در عامی بودن وی تردید ایجاد نموده و به بیان دلایل تشیع و تقیه وی می پردازد. برخی از نتایج بررسی مستندات این چنین است:

۱. روایات مذمت سفیان با توجه به گزارش های تاریخی توجیه پذیر است. گویا این روایت در جهت حفظ جان سفیان از سوی سدیر بن حکیم صیرفی - استاد سفیان - نقل گردیده است. از این رو، وجود روایات مذمت در مورد سفیان، سبب برداشت اشتباه از شخصیت وی شد و پژوهشگران را از مراجعه به دیگر روایات وی در منابع شیعه - که می توانست شناخت دقیق تری ارائه کند، - بازداشت.

۲. برخی از گزارش ها و صیت سفیان به نابودی کتاب خویش را ناشی از ترس جلوه می دهد و نه ناشی از زهد وی. در بررسی دیگر، چنین به نظر رسید که بیشتر روایان کتاب «جامع» سفیان، در محیطی غیر از کوفه و بصره فعالیت می کردند و احتمالاً با تشدید اختناق، ملاحظه ی بیشتری در نقل آن روایات در محیط عراقین داشتند.

۳. عقاید غالب جریان اصحاب حدیث - عدم اعتقاد قیام به سیف - با سفیان در یک راستا قرار ندارد و طبق گزارش های مطرح شده در پژوهش، نام وی را نمی توان در زمره ی آنان قرار داد.

پیشنهاد می گردد، حدیث شناسان به بازخوانی مجدد در مورد روایانی که حامل میراث حدیثی شیعی در منابع اهل سنت هستند، اقدام کنند. چرا که این عدم توجه و غفلت در رجال شیعی، محرومیت از احادیث اهل بیت (ع) را استمرار خواهد بخشید.

## منابع

١. **قرآن کریم**.
٢. ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (١٤٠٤ هـ)، **شرح نهج البلاغة**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
٣. ابن أبی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (١٢٧١ هـ)، **الجرح والتعديل**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٤. ابن الجعد، علی، (١٤١٠ هـ)، **مسند ابن الجعد**، تحقیق: عامر أحمد حیدر؛ بیروت: مؤسسه نادر.
٥. ابن القیسرانی، محمد بن طاهر الشیبانی، (١٤١٩ هـ)، **أطراف الغرائب والأفراد**، المحقق: محمود محمد محمود، السيد يوسف حسن نصار، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٦. ابن حبان، محمد بن حبان البستی، (١٣٩٦ هـ)، **المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین**، المحقق: محمود ابراهیم زاید، حلب: دار الوعی.
٧. ابن حبان، محمد بن حبان البستی، (١٤٠٨ هـ)، **صحیح (الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان)**، تحقیق: شعيب الأرثوؤط، بیروت: مؤسسه الرساله.
٨. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی، (١٣٢٦ هـ)، **تهذیب التهذیب**، الهند: دائرة المعارف النظامیة،
٩. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی، (١٤٠٦ هـ)، **تقریب التهذیب**، المحقق: محمد عوامه؛ سوريا: دار الرشید.
١٠. ابن حزم، علی بن أحمد بن سعید، (١٤٣١ هـ)، **المحلی بالآثار**، بیروت: دار الفكر.
١١. ابن خزیمه، أبوبکر محمد بن إسحاق، (بی تا)؛ **صحیح ابن خزیمه**، المحقق: د. محمد مصطفی الأعظمی، بیروت: المکتب الإسلامی.
١٢. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، (١٤١٠ هـ)، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.



١٣. ابن شاهين، عمر بن أحمد بن عثمان، (١٤٢٤ هـ)، **الترغيب في فضائل الأعمال وثواب ذلك**، تحقيق: محمد حسن محمد حسن إسماعيل، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٤. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، (١٣٧٩ هـ)، **مناقب آل أبي طالب عليهم السلام**، قم: علامه.
١٥. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، (١٣٨٠ هـ)، **معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة وأسماء المصنفين منهم قديما و حديثا**؛ نجف اشرف: المطبعة الحيدرية.
١٦. ابن عدى الجرجاني، أبو أحمد، (١٤١٨ هـ)، **الكامل في ضعفاء الرجال**، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض، عبد الفتاح أبو سنة؛ بيروت: دار الكتب العلمية.
١٧. ابن عساكر، أبو القاسم علي بن الحسن، (١٤١٥ هـ)، **تاريخ دمشق**، المحقق: عمرو بن غرامة العمري؛ بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٨. ابن معين، أبو زكريا يحيى، (١٣٩٩ هـ)، **تاريخ ابن معين (رواية الدوري)**، المحقق: أحمد محمد نور سيف، مكة المكرمة: مركز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي.
١٩. ابن منجويه، أحمد بن علي، (١٤٠٧ هـ)، **رجال صحيح مسلم**، المحقق: عبد الله الليثي، بيروت: دار المعرفة.
٢٠. ابن نديم، محمد بن اسحاق (بي تا)، **الفهرست**، بيروت: دار المعرفة.
٢١. أبو الحجاج القضاعي، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، (١٤٠٠ هـ)، **تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، المحقق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٢. أبو الشيخ الأصبهاني، أبو محمد عبد الله بن محمد، (١٤١٧ هـ)، **ذكر الأقران وروايتهم عن بعضهم بعضا**، المحقق: مسعد السعدني، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٣. أبو العباس العصمي، رافع بن عَصْم، (٢٠٠٥ م)، **جزء أبي العباس العصمي**، المحقق: جاسم بن محمد بن حمود الفجعي، الكويت: مكتبة أهل الأثر - دار غراس؛ الطبعة الثانية.
٢٤. أبو الفرج الأصبهاني، علي بن الحسين، (١٤٣١ هـ)، **مقاتل الطالبين**، المحقق: السيد أحمد صقر، بيروت: دار المعرفة.

٢٥. أبو عمرو الدانی، عثمان بن سعید، (١٤١٦ هـ)، **السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها**، المحقق: د. رضاء الله بن محمد إدريس المبار كفوري، الرياض: دار العاصمة.
٢٦. أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله، (١٣٩٤ هـ)، **حلية الأولياء وطبقات الأصفياء**، مصر: السعادة.
٢٧. أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد (١٤٠٩ هـ)، **المصنف في الأحاديث والآثار**، المحقق: كمال يوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد.
٢٨. أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد، (١٤٠٣ هـ)، **فضائل الصحابة**، المحقق: د. وصي الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٩. الإربلي، علي بن عيسى، (١٣٨١ هـ)، **كشف الغممة في معرفة الأئمة**، محقق: سيد هاشم رسولي محلاتي، تبريز: بني هاشمي.
٣٠. الأردبيلي، محمد بن علي، (١٤٠٣ هـ)؛ **جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق والأسناد**، بيروت: دار الأضواء.
٣١. العجلي، أبو الحسن أحمد بن عبد الله، (١٤٠٥ هـ)، **الثقات (معرفة الثقات من رجال أهل العلم و الحديث و من الضعفاء و ذكر مذاهبيهم و أخبارهم)**، المحقق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، المدينة المنورة: مكتبة الدار.
٣٢. الأمين، محسن، (١٤٠٣ هـ)، **أعيان الشيعة**، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
٣٣. البخاري، محمد بن إسماعيل، (١٤٢٢ هـ)، **صحيح**، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بيروت: دار طوق النجاة.
٣٤. البخاري، محمد بن إسماعيل، (بي تا)، **التاريخ الكبير**، مصحح: محمود محمد خليل، حيدر آباد: الدكن، دائرة المعارف العثمانية.
٣٥. البيهقي، أحمد بن الحسين، (١٤٢٤ هـ)، **السنن الكبرى**، تحقيق: محمد عبد القادر عطا؛ بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثالثة.

١٣٠ مقاله علمی - پژوهشی: «بررسی نقش تقيه بر انحصار برخی از روایات ائمه اطهار(ع)...» / فتحی و رئیسیان

٣٦. پاکتچی، احمد، (١٣٦٢ ش)، «تصوف»، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
٣٧. پاکتچی، احمد، (١٣٧٩ ش) «اصحاب حدیث»، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
٣٨. پاکتچی، احمد، (١٣٩١ ش)، **پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
٣٩. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبد الله (١٤١١ هـ)، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٤٠. حمود هزاع ردمان، وائل، (٢٠١٣ م)، «المعین من حدیث الأئمة الموصوفین بالتدلیس الثوری مثلاً»، **مجلة الدراسات الإجتماعیة**، العدد ٣٧، صص ٢٢١-٢٦٧.
٤١. الخطیب البغدادی، أبوبکر أحمد بن علی، (١٤٢٢ هـ)، **تاریخ بغداد**، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
٤٢. الخواجوئی، اسماعیل بن محمد حسین، (١٤١٣ هـ)، **الفوائد الرجالیة**، السيد مهدی الرجائی، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة.
٤٣. الخوئی، ابوالقاسم، (١٤١٣ هـ)، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، بی نا، بی جا، الطبعة الخامسة.
٤٤. الداوودی، محمد بن علی بن أحمد، (بی تا)، **طبقات المفسرین**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٤٥. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، (١٣٨٢ هـ)، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق: علی محمد الجاوی؛ بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
٤٦. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، (١٤٠٥ هـ)، **سیر أعلام النبلاء**، المحقق: شعيب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة.
٤٧. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، (٢٠٠٣ م)، **تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر والأعلام**، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف؛ بیروت: دار الغرب الإسلامی.

٤٨. الراهرمزی، أبو محمد الحسن بن عبدالرحمن بن خلاد، (٢٠١٦ م)، **المحدث الفاصل بين الراوي والواعي**، تحقيق: محمد محب الدين أبو زيد، قم: دار الذخائر.
٤٩. رحمتی، محمد کاظم، (١٣٩٣ ش)، «دیدگاه‌های حدیثی عالمان متقدم امامی و دفاتر حدیثی ائمه شیعه به تدوین روایات سنن»؛ **حدیث پژوهی**، سال ٦، شماره ١٢، صص ٢٥١-٢٧٢.
٥٠. الزرکلی، خیر السدین بن محمود، (٢٠٠٢ م)، **الأعلام**، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الخامسة عشر.
٥١. سلیمان بن خلف، أبو الولید، (١٤٠٦ هـ)، **التعديل والتجريح لمن خرج له البخاري في الجامع الصحيح**، المحقق: د. أبو لبابة حسين، الرياض، دار اللواء للنشر والتوزيع.
٥٢. الشافعی محمد بن إدريس، (١٤١٠ هـ)، **الأمر**، بیروت: دار المعرفة.
٥٣. الشهرستانی، أبو الفتح محمد بن عبد الکریم، (بی تا)، **الملل والنحل**، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع
٥٤. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، (١٣٦٢ ش)، **الخصال**، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
٥٥. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، (١٣٧٦ ش)، **الأمالی**، تهران، کتابچی، الطبعة السادسة.
٥٦. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، (١٣٨٥ ش)، **علل الشرائع**، قم: مکتبه الداوری.
٥٧. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، (١٤٠٣ هـ)، **معانی الأخبار**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
٥٨. صفری، نعمت الله، (١٣٨١ ش)، **نقش تقيه در استنباط**، قم: انتشارات بوستان کتاب.
٥٩. الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، (١٤١٥ هـ)، **المعجم الكبير**، المحقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، القاهرة: مکتبه ابن تیمیة، الطبعة الثانية.
٦٠. الطبرسی، فضل بن حسن، (١٣٨٠ ش)، **الأداب الدينية للخزانة المعينية**، مترجم: احمد عابدي، قم: زائر.
٦١. الطبري، محمد بن جرير، (١٤٣١ هـ)، **المنتخب من ذيل المذيل**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

٦٢. الطحاوی، أحمد بن محمد بن سلامة، (١٤١٦ هـ)، **أحكام القرآن الكريم**، تحقيق: الدكتور سعد الدين أونال؛ استانبول: مركز البحوث الإسلامية التابع لوقف الديانة التركي.
٦٣. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٤٠٧ هـ ب)، **الخلافة**، تصحيح: علي خراساني - سيد جواد شهرستاني - مهدي طه، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٦٤. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٣٩٠ هـ)، **الإستبصار فيما اختلف من الأخبار**، تحقيق: خراسان، حسن الموسوي؛ تهران؛ دار الكتب الإسلامية.
٦٥. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٤٠٧ هـ الف)، **تهذيب الأحكام**، تحقيق: خراسان، حسن الموسوي، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٦٦. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٤١٤ هـ)، **الأمالي**، تحقيق: حسن خراسان، قم: دار الثقافة.
٦٧. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٤١٥ هـ)، **الرجال**، المحقق: جواد القيومي الأصفهاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
٦٨. الطوسي، محمد بن الحسن، (١٤٢٠ هـ)، **فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول**، تحقيق: عبد العزيز طباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
٦٩. الطوسي، محمد بن الحسن، (بي تا)، **العدة في أصول الفقه**، تحقيق: محمدرضا الأنصاري القمي، قم: محمد تقي علاقنديان.
٧٠. عاملي، محمد بن علي موسوي، (١٤١١ هـ)، **مدارك الأحكام في شرح شرائع الإسلام**، بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٧١. عبد الرزاق الصنعاني، أبوبكر عبد الرزاق بن همام، (١٤٠٣ هـ)، **المصنف**، المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي؛ الهند، المجلس العلمي، الطبعة الثانية.
٧٢. عبد الرزاق الصنعاني، أبوبكر عبد الرزاق بن همام، (١٤١٩ هـ)، **تفسير عبد الرزاق**، محقق: محمود محمد عبده، بيروت: دار الكتب العلمية.
٧٣. عبداللطيف الطائي، رياض حسين، (بي تا)، **جامع سفيان الثوري منزله معاليه رواياته**، بي جا، بي نام.

۷۴. القاضی عیاض، أبو الفضل، (۱۹۶۶ هـ)، **ترتیب المدارک و تقریب المسالك**، المحقق: عبد القادر الصحرای، المغرب: مطبعة فضالة - المحمدية.
۷۵. الكشي، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ هـ)، **اختیار معرفة الرجال**، محقق: السيد مهدي الرجائي، مصحح: مير داماد الأسترآبادی، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۷۶. الكليني، محمد بن يعقوب (۱۴۲۹ هـ)، **الكافي**، تحقيق: دارالحدیث، قم: دار الحدیث.
۷۷. كشتكارفرد، علی، (۱۳۹۰ ش)، **بررسی رابطه امامیه و زیدیه تا پایان غیبت صغری**، پایان نامه ارشد، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۷۸. لیثی، سمیره مختار، (۱۳۸۴ ش)، **جهاد شیعه در دوره اول عباسی**، مترجم: محمد حاجی تقی، تهران: مؤسسه شیعه شناسی.
۷۹. مددی موسوی، سید احمد، (۱۳۹۳ ش)، **نگاهی به دریا**، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
۸۰. مسلم بن الحجاج، أبو الحسن، (۱۴۳۱ هـ)، **صحيح**، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۸۱. مغلطای بن قلیج، (۱۴۲۲ هـ)، **إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، تحقيق: أبو عبدالرحمن عادل بن محمد و أبو محمد أسامة بن ابراهيم، القاهرة: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.
۸۲. مقدسی، منصوره، (۱۳۹۱ ش)، **تحليل تاريخي تقيہ در مكتب تشيع**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
۸۳. میرداماد، محمد باقر بن محمد، (۱۳۱۱ ق)، **الروا شح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية**، قم: دار الخلافة.
۸۴. النجاشي، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش)، **الرجال**، تحقيق: موسى شبيري زنجانى، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۸۵. النووی، محیی الدین یحیی بن شرف، (بی تا)، **تهذيب الأسماء واللغات**، تحقيق: شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، بيروت: دار الكتب العلمية.
۸۶. الیغموری، یوسف بن أحمد، (۱۴۳۱ هـ)، **نور القبس**، بی جا، بی نام.

### Bibliography:

1. The Holy Qur'an.
2. Abd al-Razzāq al-San'ānī, Abu Bakr Abd al-Razzāq ibn Hammām (1982), *Al-Musannaf*, Research: Habib al-Rahman al-Azamī, India: Scientific Council, second edition.
3. Abd al-Razzāq al-San'ānī, Abu Bakr Abd al-Razzāq ibn Hammām (1998), *Abdul Razzāq's Interpretation*, Research: Mahmoud Muhammad 'Abduh, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmāyya.
4. Abdul Latif Al-Tā'ī, Riyād Hussein (nd), "Jāmi' Sufyān Sūrī, Manzilatuhū, Ma'ālimuhū, Riwayatuhū", Np.
5. Abu 'Amr Al-Dānī, Othman bin Saeed (1995), *Al-Sunan al-Wārida fi al-Fitan*, Research: Dr. Ridā Allah bin Muhammad Idris Al Mubārakfourī, Riyadh: Dar Al Āsimah.
6. Abu Al-Abbas Al-'Usmī, Rafī' bin 'Usm (2005), *Juz' Abi Al-Abbas Al-'Umī*, Research: Jassem bin Muhammad bin Hamoud Al-Fajjī, Kuwait: Ahl Al-Athar Library - Dar Ghirāss; Second Edition.
7. Abu Al-Faraj Al-Asbahānī, Ali Bin Al-Hussein (2010), *Maqātil al-Tālibeen*, Research: Mr. Ahmed Saqr, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
8. Abu Al-Hajjāj Al-Qudā'ī, Youssef bin Abdul Rahman bin Yusuf (1980), *Tahdhīb al-Kamāl fi Asmā' al-Rijāl*, Research: Bashār 'Awād Maarouf, Beirut: Al-Resāla Foundation.
9. Abu Bakr bin Abi Shaybah, Abdullah bin Muhammad (1988), *Al-Musannaf fi al-Ahādīth wal-Āthār*, Research: Kamal Yusuf Al-Hout, Riyadh: Al-Rushd Library.
10. Abu Na'īm Al-Asbahānī, Ahmed bin Abdullah (1974), *Hilyat al-Awliyā' wa-Tabaqāt al-Aṣfiyā*, Egypt: Al-Sa'āda.
11. Abu Sheikh Al-'Isbahānī, Abu Muhammad Abdullah bin Muhammad (1996), *Dhikr al-Aqrān wa Riwayatuhum 'an Ba'dihim Ba'dan*, Research: Mas'ad al-Sa'dānī, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmāyya.

12. Ahmed bin Hanbal, Abu Abdullah Ahmed bin Muhammad (1983), *The Virtues of the Companions*, Research: Dr. Wasī Allah Muhammad Abbas, Beirut: Al-Resāla Foundation.
13. Al-Dhahabī, Shams Al-Din Abu Abdullah Muhammad bin Ahmed (2003), *The History of Islam and the Deaths of the Famous*, Research: Dr. Bashar Awwād Ma'rouf; Beirut: Islamic West House.
14. Al-'Ijlī, Abu Al-Hassan Ahmad bin Abdullah (1985), *Al-Thiqāt*, Research: Abd al-'Alīm Abd al-Azim al-Bastāwī, Medina: Al-Dar Library.
15. Al-Amīn, Mohsen (1983), *A'yān Al-Shia*, Beirut: Dar al-Ta'āruf.
16. Al-Ardabilī, Muhammad bin Ali (1982), *Jāmi' al-Ruwāt*, Beirut: Dar Al-Adwā'.
17. Al-Bayhaqī, Ahmed bin Al-Hussein (2003), *Al-Sunan Al-Kubrā*, Edited by: Muhammad Abdul Qadir Atta; Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmāyya, third edition.
18. Al-Bukhari, Muhammad bin Ismail (2001), *Al-Sahīh*, Research: Muhammad Zuhair bin Nasser Al-Nasser, Beirut: Dar Tawq Al-Najāh.
19. Al-Bukhari, Muhammad bin Ismail (nd), *The Great History*, Edited by: Mahmoud Muhammad Khalil, Hyderabad: Deccan, Ottoman Encyclopedia.
20. Al-Dāwūdī, Muhammad bin Ali bin Ahmed (nd), *Tabaqāt Al-Mofassirīn*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmāyya.
21. Al-Dhahabī, Shams Al-Din Abu Abdullah Muhammad bin Ahmed (1963), *Mīzān al-'Tidāl fī Naqd al-Rijāl*, Research: Ali Muhammad Al-Bajāwī; Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
22. Al-Dhahabī, Shams Al-Din Abu Abdullah Muhammad bin Ahmed (1985), *Siyar A'lām al-Nubalā*, Research: Shuaib Al-Arnaout, Beirut: Al-Resāla Foundation, third edition.



23. Al-Hakim Al-Naysābūrī, Muhammad bin Abdullah (1990), *Al-Mustadrak 'alā al-Sahīhayn*, Research: Mustafa Abdel-Qader Atta, Beirut, Dar Al-Kutub Al-'Ilmāyya.
24. Al-Irbilī, Ali bin Issā (1961), *Kashf al-Ghumma*, Research: Sayed Hashem Rasouli Mahallati, Tabriz: Banu Hashemi.
25. Al-Kashī, Muhammad bin Omar (1983), *Ikhṭiyār Ma'rifat al-Rijāl*, Research: Sayed Mahdi Al-Rajā'ī, Edited by: Mir Dāmād Al-Astrābādī, Qom: Ahl Al-Bayt Institute (AS) for the revival of heritage.
26. Al-Khatīb Al-Baghdadi, Abu Bakr Ahmed bin Ali (2002), *The History of Baghdad*, Research: Dr. Bashir Awwād Ma'rouf, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
27. Al-Khū'ī, Abu Al-Qāsim (1992), *Mu'jam Rijāl al-Hadith*, fifth edition.
28. Al-Khwājawī, Ismail bin Muhammad Hussain (1992.), *Al-Fawā'id al-Rijālīyya*, Al-Sayed Mahdi Al-Rajā'ī, Mashhad: Astana-e Qods Razawī, Islamic Research Academy.
29. Al-Kulaynī, Muhammad bin Ya'qūb (2008), *Al-Kāfi*, Edited by: Dar Al-Hadith, Qom: Dar Al-Hadith.
30. Al-Najāshī, Ahmed bin Ali (1986), *Al-Rijāl*, Research: Musā Shubeirī Zanjānī, Qom: Teachers Association of Qom Seminary, Islamic Publication Institution.
31. Al-Nawawī, Muhyi al-Din Yahyā bin Sharaf (nd), *Tahdhīb al-Asmā' wal-Lugha*, Research: The Scholars Company with the assistance of the Al-Munīriya Printing Department, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmāyya.
32. Al-Qādī 'Ayād, Abu Al-Fadl (1970), *Tartīb al-Madārik wa Taqrīb al-Masālik*, Research: Abdel Qāder Al-Sahrāwī, Morocco: Fadāla – Muhammadīyah Printing House.
33. Al-Rāmḥurmuzī, Abu Muhammad Al-Hassan bin Abdul Rahman bin Khallād (2016), *Al-Muhaddith al-Fādil bayn al-Rawī wal-Wā'ī*,

- Research: Muhammad Muhib Al-Din Abu Zaid, Qom: Dar Al-Dakhkar.
34. Al-Sadūq, Muhammad bin Ali bin Bābiwayh (1966), *Causes of Sharia*, Qom: Al-Dāwarī Library.
  35. Al-Sadūq, Muhammad bin Ali bin Bābiwayh (1982), *Ma'ānī al-Akhhbār*, Research: Ali Akbar Ghafārī, Qom, Teachers Association of the Qom Seminary, Islamic Publication Institution.
  36. Al-Sadūq, Muhammad bin Ali bin Bābiwayh (1983.), *Al-Khisāl*, Research: Ali Akbar Ghafārī, Qom: Teachers Association of the Qom Seminary.
  37. Al-Sadūq, Muhammad bin Ali bin Bābiwayh, (1997), *Al-Amālī*, Tehran: Kitabchi, sixth edition.
  38. Al-Shāfi'ī, Muhammad bin Idris (1990), *Al-Umm*, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
  39. Al-Shahristānī, Abu al-Fath Muhammad ibn Abd al-Karim (nd), *Al-Milal wa al-Nihal*, Research: Muhammad Sayed Gilani, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
  40. Al-Tabarānī, Abu al-Qāsim Suleiman bin Ahmed (1994), *Al-Mu'jam Al-Kabīr*, Research: Hamdī bin Abdul Majeed Al-Salafi, Cairo: Ibn Taymīyyah Library, second edition.
  41. Al-Tabarī, Muhammad bin Jarīr (2010), *Al-Muntakhab min Dhyl Al-Madhīl*, Beirut: Al-A'lamī Publications Institution.
  42. Al-Tabrisī, Fadl bin Hassan (2001), *Religious Etiquette for Specific Treasures*, translated by: Ahmad Abdi, Qom: Zaer.
  43. Al-Tahāwī, Ahmed bin Muhammad bin Salama (1995), *Ahkam al-Qur'an al-Karim*, Research: Dr. Sa'duddīn Unāl, Istanbul: Islamic Research Center of the Turkish Religious Endowment.
  44. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hasan (١٩٨٦), *Tahdheeb Al-Ahkām*, Research: Karsān, Hassan Al-Mousawi, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islāmīyyah.

45. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hasan (1993), *Al-Amālī*, Research: Hassan Karsān, Qom: House of Culture.
46. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hassan (1970), *Al-Istibsār*, Research: Karsān, Hassan Al-Mousawi, Tehran: Islamic Book House.
47. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hassan (۱۹۸۶), *Al-Khalāf*, Edited by: Ali Karsān - Sayed Jawad Shahrastani - Mahdi Taha, Qom: Islamic Publication Office, Compiled by the Qom Seminary.
48. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hassan (1999), *The list of Shiite Books and Their Principles and the Names of the Authors and the Companions of the Principles*, Edited by: Abdul Aziz Tabataba'i, Qom: Al-Muhaqqiq Al-Tabataba'i Library.
49. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hassan (nd), *Al-'Udda fī 'Usūl al-Fiqh*, Research: Muhammad Ridā Al-Ansari Al-Qummī, Qom: Muhammad Taqī Alāqibandīyān.
50. Al-Tūsī, Muhammad bin Al-Hassan, (1994), *Al-Rijāl*, Research: Jawad Al-Qayūmī Al-Isfahānī, Qom: The Islamic Publication Institution of Teachers Association of Qom Seminary.
51. Al-Yaghmūrī, Yusuf bin Ahmed (2010), *Noor Al-Qabas*, Np.
52. Al-Zarkalī, Khair Al-Din Bin Mahmoud (2002), *Al-A'lām*, Beirut: Dar Al-'Ilm lil-Malā'īn, fifteenth edition.
53. Āmilī, Muhammad bin Ali Mousavi (1990), *Madarak al-Ahkām fī Sharh Sharī'a al-Islam*, Beirut: Āl al-Bayt (AS) Institute.
54. Hamoud Hazā Radmān, Wā'il (2013), "Al-Mu'an'an min Hadith al-'A'immat al-Mawsūfīn bi-Tadlīth al-THawrī Mithālan", *Journal of Social Studies* 37: 221-267.
55. Ibn 'Asāker, Abu al-Qāsim Ali ibn al-Hasan (1995), *The History of Damascus*, Research: Amr ibn Gharāmah al-'Amrawī, Beirut: Dar Al-Fikr.
56. Ibn 'Uday Al-Jurjānī, Abu Ahmed (1997), *Al-Kāmil fī Zu'afā al-Rijāl*, Research: Adel Ahmed Abdel-Mawjūd, Ali Muhammad

- Mu'awad, Abdel-Fattah Abu Sunna; Beirut: Scientific Books House.
57. Ibn Abi al-Hadīd, ['Abd al-Hamed b. Hibatullah](#) (1983), *Sharh Nahj al-Balagha*, Qom: Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī.
58. Ibn Abi Hātam, Abd al-Rahman bin Muhammad (1952), *Al-Jarh wal-Ta'deel*, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
59. Ibn al-Ja'd, Ali (1990), *Musnad Ibn al-Ja'd*, Research: Āmer Ahmed Haidar; Beirut: Nader Foundation.
60. Ibn al-Qaysrānī, Muhammad ibn Tāher al-Shaibānī (1998), *Atrāf al-Gharā'ib wa al-Afrād*, Research: Mahmoud Muhammad Mahmoud, Al-Sayed Youssef Hassan Nassar, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya.
61. Ibn H2bbān, Muhammad bin Habbān al-Bustī (1988), *Sahīh (Al-Ihsān fī Taqreeb Sahīh Ibn Habbān)*, Research: Shuaib Al-Arnaout, Beirut: Al-Resala Foundation.
62. Ibn Habbān, Muhammad bin Habbān Al-Bustī (1976), *Al-Majrouhīn of the Hadiths, the Weak and the Abandoned*, Research: Mahmoud Ibrahim Zāyed, Aleppo: Dar Al-Wa'i.
63. Ibn Hajar al-Asqalani, Abu al-Fadl Ahmed bin Ali ( 1986), *Taqbeer al-Tahdheeb*, Research: Muhammad Awamah; Syria: Dar Al-Rashid.
64. Ibn Hajar Al-Asqalānī, Abu Al-Fadl Ahmed bin Ali (1908), *Tahdheeb Al-Tahdheeb*, India: The Systematic Encyclopedia.
65. Ibn Hazm, Ali bin Ahmed bin Saeed (2010), *Al-Muhalla bi'l Athār*, Beirut: Dar Al-Fikr.
66. Ibn Khuzaymah, Abu Bakr Muhammad bin Ishāq (nd), *Sahih Ibn Khuzaymah*, Research: Dr. Muhammad Mustafa Al-Azamī, Beirut: The Islamic Office.
67. Ibn Minjiwayh, Ahmad bin Ali (1986), *Rijāl Sahīh Muslim*, Research: Abdullah Al-Laithī, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.

68. Ibn Mu'īn, Abu Zakarīā Yahyā (1979), *The History of bin Mu'īn (Al-Dawrī's Narration)*, Research: Ahmed Muhammad Nour Seif, Makkah Al-Mukarramah: Center for Scientific Research and the Revival of Islamic Heritage.
69. Ibn Nadīm, Muhammad Ibn Ishāq (nd), *Al-Fihrist*, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
70. Ibn Sa'd, Muhammad bin Sa'd bin Manī' (1410 AH - 1990 AD), *al-Tabaqāt al-Kubrā*, Research: Muhammad Abd al-Qadir 'Atā, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyya.
71. Ibn Shāheen, Omar bin Ahmed bin Othman (2004), *The Encouragement of the Virtues of Deeds and Its Reward*, Research: Muhammad Hassan Muhammad Hassan Ismail, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyya.
72. Ibn Shahr Ashūb Mazandarani, Muhammad bin Ali (1959), *Manāqib Āl Abi Tālib*, Qom: Allamah.
73. Ibn Shahr Ashūb Mazandarani, Muhammad bin Ali (1960), *Ma'ālim al-'Ulamā*, Najaf Ashraf: Haidari Press.
74. Keshtkar-fard, Ali (2011), *Investigating the Relationship between Imamis and Zaydis until the End of Minor Occultation*, MA Thesis by Muhammadreza Jabbari, Baqer al-Uloom University.
75. Laithī, Samira Mukhtar (2005), *Shiite Jihad in the First Abbasid Period*, Persian Translation: Mohammad Haji Taghi, Tehran: Institute of Shiite Studies.
76. Madadi Mousavi, Ahmad (2014), *A Look at the Sea*, Qom: Shiite Bibliographic Institute.
77. Mīrdāmād, Muhammad Bāqir bin Muhammad (1893), *Al-Rawāshih Al-Samāwīyyah fī Sharh Al-Ahādith Al-Imāmīyya*, Qom: Dar al-Khilāfa.
78. Moghaddasi, Mansoureh (2012), *Historical Analysis of Taqiyya in the Shiite School*, MA Thesis by Golnaz Saeedi, Payam-e Noor University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities.

79. Mughlatāy bin Qilīj (2001), *Completing the Tahdhīb al-Kamāl fī Asmā' al-Rijāl*, Edited by: Abu Abdul Rahman Adel bin Muhammad and Abu Muhammad Osama bin Ibrahim, Cairo: Al-Fārouq Al-Haditha for Printing and Publishing.
80. Muslim ibn al-Hajjāj, Abu al-Hasan (2010), *Sahīh*, Research: Muhammad Fou'ād Abd al-Bāqī, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi.
81. Pakatchi, Ahmad (1983), *Sufism*, Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopedia.
82. Pakatchi, Ahmad (2000), *Companions of Hadith*, Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopedia.
83. Pakatchi, Ahmad (2012), *A Survey of Sunni Hadith Collections*, Tehran: Imam Sadeq University.
84. Rahmati, Muhammad Kazem (2014), "The hadith opinions of the early Hadith scholars and Shiite Imams' Hadith collections on the compilations by Sunni narrators," *Journal of Hadith Studies*, 6 (12): 251-272.
85. Safari, Nematullah (2002), *The Role of Taqīya in Inference (Istinbāt)*, Qom: Boustan-e Ketab.
86. Suleiman bin Khalaf, Abu Al-Walīd (1986), *Al-Ta'dīl wa Al-Tajrīh*, Research: Dr. Abu Lubaba Hussein, Riyadh, Dar Al Liwā'.